



Iranian Scientific Association
of Public Administration



University of
Sistan and Baluchestan

Investigating the most Important Factors on Income Inequality among Selected Countries

Zahra Najafi¹ 

¹. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: Najafi@pnu.ac.ir

Abstract:

Objective: Despite the economic changes of countries over the past years, there is still an income gap between different social groups, and this has caused economists and policymakers to pay more attention to different dimensions of income distribution. This research aims to investigate the income inequality of Iran and selected business partners.

Methods: The data collected between 2002-2021 were analyzed using Stata software. Variables affecting income inequality include globalization, entrepreneurship, global governance, GDP per capita and inflation rate.

Results: After confirming the cross-sectional independence and checking the significance of the variables, the Pedroni and Kao cointegration tests were used and the existence of a long-term equilibrium relationship between the variables of the model was confirmed. Then, two-way random effects were estimated with the Chow and Hausman tests of the panel data model.

Conclusions: According to the results, the globalization index has a negative and significant effect on income inequality. Also, the coefficients of the entrepreneurship and global governance variables are positive and significant. Regarding the impact of the GDP per capita variable on income inequality, the coefficient has become positive and significant, and it shows that most of the investigated countries are in the upward part of Kuznets' inverted U hypothesis. The inflation rate variable also has a negative and significant sign, indicating that as the inflation rate level of these countries increases the amount of income inequality decreases. Although it has been emphasized in some studies that there are no clear results in this regard.

Keywords: Gini coefficient, Globalization, Entrepreneurship, Global governance.

Article type: Research

Cite this article: Z. Najafi (2025). Investigating the most Important Factors on Income Inequality among Selected Countries. *Governance and Development Journal*, 5 (1), 157-183.

DOI: 10.22111/jipaa.2025.470050.1181

Received: 27.07.2024

Revised: 21.01.2025

Accepted: 23.01.2025

Published: 26.03.2025



The Author(s)

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



دانشگاه پیام نور

حکمرانی و توسعه

شماره ۳۴۶۱-۳۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



مجله توسعه و حکمرانی

بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی میان منتخبی از کشورها

زهرا نجفی^۱

۱. استادیار گروه علوم اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. رایانامه: Najafi@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: علی‌رغم تغییرات اقتصادی کشورها طی سال‌های گذشته، همچنان شکاف درآمدی میان گروه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد و سبب شده اقتصاددانان و سیاست‌گذاران به ابعاد مختلف توزیع درآمد توجه بیشتری نمایند. هدف از این پژوهش بررسی نابرابری درآمدی ایران و شرکای تجاری منتخب می‌باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶	روش پژوهش: داده‌های جمع‌آوری شده در فاصله سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۲ با استفاده از نرم‌افزار استاتا ^۱ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. متغیرهای اثرگذار بر نابرابری درآمد شامل جهانی‌شدن، کارآفرینی، حکمرانی جهانی، تولید ناخالص داخلی سرانه و نرخ تورم می‌باشند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲	یافته‌ها: پس از تأیید استقلال مقطعی و بررسی مانایی متغیرها، از آزمون همجمعی پدرونی و کائو استفاده شد و وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مدل مورد تأیید قرار گرفت. سپس با آزمون‌های چاو و هاسمن و با روش داده‌های پانلی، اثرات تصادفی دوطرفه برآورد گردید.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴	نتیجه‌گیری: طبق نتایج برآوردهای صورت‌گرفته، شاخص جهانی‌شدن دارای تأثیر منفی و معنادار بر نابرابری درآمدی می‌باشد. همچنین ضرایب متغیرهای کارآفرینی و حکمرانی جهانی مثبت و معنادار هستند. در خصوص تأثیرگذاری متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه بر نابرابری درآمد، ضریب مثبت و معنادار شده است و نشان می‌دهد بیشتر کشورهای مورد بررسی در قسمت صعودی فرضیه U معکوس کوزنتس ^۲ قرار
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶	
کلیدواژه‌ها: ضریب جینی ^۳ ، جهانی‌شدن، کارآفرینی، حکمرانی جهانی.	

^۱. استاتا (Stata) از نرم‌افزارهای معروف و کاربردی است که در زمینه‌هایی از جمله علم اقتصاد، آمار، جامعه‌شناسی و ... از آن استفاده می‌شود.

^۲. بررسی اثر رشد و توسعه بر نابرابری با پژوهش کوزنتس (۱۹۵۵) آغاز شد. طبق این فرضیه، نابرابری در توزیع درآمد طی اولین مراحل رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، سپس هم‌تراز شده و سرانجام کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، رابطه بین نابرابری توزیع درآمد با درآمد سرانه در طول زمان به شکل U معکوس است.

^۳. Gini Coefficient

استناد: نجفی، زهرا (۱۴۰۴) "بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی میان منتخبی از کشورها" (۵۱)، ۱۵۷-۱۸۳.



DOI: 10.22111/JIPAA.2025.470050.1181

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

دارند. متغیر نرخ تورم نیز با علامت منفی و معنادار، بیانگر آن است که هرچه سطح نرخ تورم این کشورها افزایش یابد، مقدار نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. گرچه در برخی از مطالعات تأکید شده است که نتایج کاملاً مشخصی در این خصوص وجود ندارد.

مقدمه

در چند دهه گذشته نابرابری درآمدی به شدت در سراسر جهان افزایش یافته (دیتون^۱، ۲۰۱۳؛ پیکتی^۲، ۲۰۱۴) و اکثر کشورها در راستای افزایش سطح رشد و توسعه اقتصادی خود، بر مقولاتی مانند کاهش فقر و نابرابری تأکید کرده‌اند (عبدلی، ۱۴۰۱). درواقع، توزیع عادلانه درآمد یکی از مهم‌ترین اهداف و وظایف دولت‌ها و دغدغه اصلی سیاست‌گذاران و اقتصاددانان محسوب می‌شود (دراقی^۳، ۲۰۱۶). در طول سال‌های اخیر توزیع نابرابر ثروت افزایش یافته و به عنوان یک نگرانی مهم تلقی شده است. برخی از صاحب‌نظران این حوزه، مانند گوزگور، مانتو، دمیر و پادهان^۴ (۲۰۲۰) و شیا، نیکلاس، بشیر، قوش، دوغان و شهزاده^۵ (۲۰۲۲) اهمیت بررسی آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. کاهش نابرابری نه تنها برای دستیابی به برابری مالی، بلکه برای ارتقای سطح رفاه و بهبود استانداردهای زندگی کشورها نیز بسیار مهم است (تاباش، السانتیل، حمادی و دراجال، ۲۰۲۴). نابرابری درآمدی از یک سو باعث افزایش فقر، آسیب‌پذیری کشورها و بی‌ثباتی اقتصادی، مالی و سیاسی جوامع می‌گردد (تقی‌زاده-حصاری، یوشینو و شیمیزو^۶، ۲۰۱۸؛ کومهوف، رانسیر و وینانت^۷، ۲۰۱۵؛ کاروالهو و رضایی^۸، ۲۰۱۴؛ سینگانو^۹، ۲۰۱۴؛ عجم اوغلو^{۱۰}، ۲۰۱۲؛ خانزادی، توسلی‌نیا، بهنیا و سلطانی، ۱۴۰۱) و از سویی دیگر، مانع مهمی در برابر افزایش رشد اقتصادی مستمر و باثبات است (جعفری، عمادی و رمضان‌پور، ۱۴۰۰). بعلاوه شواهد نشان می‌دهند که دلیل از دست رفتن فرصت‌ها، به یک مسئله جهانی تبدیل شده و نیازمند راه‌حل‌های چندجانبه و یکپارچه است. با این وجود، هیچ اتفاق نظری در مورد رفع آن حاصل نشده است (لاو و سوون^{۱۱}، ۲۰۲۰؛ به نقل از: امانی و احمدزاده، ۱۴۰۱) و در بسیاری از کشورها همچنان تداوم دارد (ایزدین، ۱۳۹۹). در چند دهه اخیر با گسترش روزافزون ادغام در اقتصادهای جهانی، فاصله و زمان مفهوم واقعی خود را از دست داده و جهانی‌شدن نقش عمده‌ای در افزایش سطح رشد اقتصادی، توسعه پایدار و توزیع درآمد به خود اختصاص داده است. طبق دیدگاه اقتصاددانان، گسترش تجارت از بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی نه تنها سهم بازارهای داخلی را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند به افزایش رقابت بین ملت‌ها منجر شود که در نتیجه بهبود

^۱. Deaton

^۲. Piketty

^۳. Draghi

^۴. Gozgor, Mantu, Demir & Padhan

^۵. Xia, Nicholas, Bashir, Ghosh, Dogan & Shahzad

^۶. Taghizadeh-Hesary, Yoshino & Shimizu

^۷. Kumhof, Ranciere & Winant

^۸. Carvalho & Rezaie

^۹. Cingano

^{۱۰}. Acemoglu

^{۱۱}. Low & Soon

کارایی، افزایش بهره‌وری و توزیع عادلانه‌تر درآمد را به دنبال خواهد داشت (گلخندان^۱، ۲۰۱۶). از سویی دیگر، شکوفایی اقتصادی و سطح استاندارد زندگی در هر کشوری، تابعی از کم و کیف تولید ملی آن کشور است. هرچه فعالیت‌های اقتصادی، کارآفرینی و تلاش افراد بیشتر باشد، تولید ملی و به تبع آن، فرصت‌های شغلی و شکوفایی اقتصادی نیز بالاتر خواهد بود. اوبی فیونا و اوبی دیله^۲ (۲۰۲۲)، معتقدند کارآفرینی فرآیند ایجاد درآمد از طریق ترکیبات جدید، منحصربه‌فرد و ارزشمند از منابع در محیط ابهام و عدم اطمینان و به معنای تأسیس یا رشد نوپا از طرق مدیریت نوآورانه و ریسک‌پذیر است. کارآفرینان بدون توجه به منابعی که در اختیار فرد قرار می‌گیرد، فعالیت‌های اقتصادی جدیدی را در مقیاس کوچک با سرمایه خود آغاز می‌کنند و فرصت‌هایی را ایجاد کرده و ابزارهای آن را فراهم می‌آورند. کارآفرینی فرآیند تخریب خلاقانه و نیروی محرکه توسعه اقتصادی است (طالقانی، نعمت‌الهی و زرجو، ۱۴۰۲).

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر تغییرات توزیع درآمد، دولت‌ها و سایر نهادهای ملی هستند. در واقع حکمرانی خوب با وضع قوانین و مقررات و تأثیرگذاری بر شکل‌گیری اقتصادهای رسمی و غیررسمی و ایجاد مشاغل مختلف می‌تواند نقش کلیدی در شکل‌گیری تغییرات درآمدی و ایجاد جوامع برابرتر ایفا کند، اگرچه این تأثیرگذاری گاهی ممکن است در راستای تضعیف توزیع درآمد عادلانه‌تر باشد. به موجب برخی مطالعات، نابرابری درآمدی منحصراً از بازار ناکارآمد ناشی نمی‌شود و گاهی به دلیل مجموعه قوانین اتخاذشده توسط سیاست‌گذاران، افزایش نابرابری اجتناب‌ناپذیر است. در واقع، کاهش نابرابری درآمدی، خارج از کنترل دولت‌ها و سیاست‌گذاران نیست و می‌تواند از طریق سیاست‌گذاری عمومی بر نتایج توزیعی و نابرابری تأثیر بگذارند (پولاکو^۳، ۲۰۲۱). همچنین ون‌گوشه^۴ (۲۰۲۲) معتقد است که حکمرانی اقتصادی ضعیف، منجر به افزایش بدهی، تورم و بیکاری می‌شود (وانگ، پای، وانگ و شین^۵، ۲۰۲۴).

با توجه به اهمیت موضوع، اغلب کشورها در جستجوی یافتن راهکارهایی برای بهبود توزیع عادلانه درآمد هستند. بنابراین بررسی عوامل مهم و اثرگذار بر نابرابری درآمدی بسیار مهم و حیاتی است. از آنجا که ایران در مسیر پیشرفت و توسعه اقتصادی قرار دارد، نیازمند بررسی دقیق‌تر بسیاری از شاخص‌های اصلی ملی و بین‌المللی است. لذا در این پژوهش سعی می‌شود که علی‌رغم تعدد و تنوع مطالعات موجود در زمینه توزیع درآمد، دیدگاهی متفاوت از عوامل اثرگذار بر سطح نابرابری درآمدی در ایران و برخی از شرکای تجاری منتخب طی دوره زمانی ۲۰۲۱-۲۰۲۲ ارائه شود. ضمن این که تاکنون در هیچ مطالعه‌ای به طور همزمان، نقش سه عامل جهانی‌شدن، کارآفرینی و حکمرانی جهانی بر نابرابری درآمدی بررسی نشده است و این مهم به عنوان نوآوری خاص این پژوهش محسوب می‌شود. در ادامه، در بخش بعدی، مبانی نظری مربوط به عوامل اثرگذار بر نابرابری درآمد و پیشینه پژوهش مطرح و به معرفی داده‌ها و مدل برآوردی پرداخته می‌شود. سپس محاسبات آماری و تحلیل یافته‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادها بیان می‌گردد.

^۱. Gholkhandan

^۲. Obiefuna & Obidile

^۳. Polacko

^۴. Van Gauchet

^۵. Wang, Pie, Wang & Qin

ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

تغییرات اقتصادی در کشورها طی سال‌های گذشته، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه که علی‌رغم رشد نسبی اقتصادی، شکاف درآمدی بیشتری را میان گروه‌های مختلف اجتماعی تجربه کرده‌اند، سبب شده تا اقتصاددانان و سیاست‌گذاران به ابعاد مختلف توزیع درآمد توجه بیشتری نموده و با بکارگیری سیاست‌های اقتصادی بهینه، تفاوت درآمدی به‌وجود آمده را کاهش داده و از تنش‌های اجتماعی مترتب آن بکاهند. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در برخی کشورهای با درآمد متوسط از جمله چین و هند، نابرابری درآمدها افزایش داشته است. کشورهایی که شاهد افزایش نابرابری بوده‌اند بیش از دوسوم جمعیت جهان (حدود ۷۱٪) را به خود اختصاص داده‌اند (ایزدین، ۱۳۹۹). در ادبیات نابرابری درآمد، به عوامل مختلفی اشاره می‌شود که بر این نابرابری مؤثر هستند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این عوامل پرداخته می‌شود.

۱. نابرابری درآمدی و جهانی‌شدن: در سال‌های اخیر برای محاسبه و سنجش جهانی‌شدن کشورها از شاخص جامع و ترکیبی جدیدی به نام KOF^۱، استفاده می‌شود. KOF در سال ۲۰۰۲ به وسیله انستیتوی اقتصادی سوئیس ساخته و توسط درهر^۲ بسط داده شد. این شاخص شامل جریان‌های واقعی اقتصاد (مانند تجارت) و محدودیت‌های تجاری (مانند متوسط نرخ تعرفه‌ها) به صورت جامع‌تر و با وزن‌دهی مناسب‌تر است و سه بعد دارد: جهانی‌شدن اقتصادی^۳، جهانی‌شدن اجتماعی^۴ و جهانی‌شدن سیاسی^۵.

جنبه اقتصادی جهانی‌شدن با جریان‌هایی از مسافت طولانی از کالاها، سرمایه، خدمات، اطلاعات و آگاهی که همراه با تبادل بازارهاست، معرفی می‌شود. جهانی‌شدن اقتصاد فرآیند ادغام اقتصادهای ملی در یک اقتصاد فراگیر جهانی است و در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود، تحرک روزافزون منابع، فناوری، کالاها و خدمات، حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها، آسان‌تر صورت می‌گیرد و به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌انجامد. از ویژگی‌های اصلی این فرآیند اتکاء بیشتر به نظام بازار و خصوصی‌سازی و آزادسازی در ابعاد گوناگون آن، اعم از آزادسازی تجاری، بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.

جنبه اجتماعی این شاخص، به اثر جهانی‌شدن بر زندگی و کار مردم، خانواده و جوامع اشاره دارد و در آن انتشار ایده‌ها، اطلاعات، تصاویر و مردم اندازه‌گیری می‌شوند و به سه طبقه "ارتباطات فردی"، "جریان اطلاعات" و "نزدیکی فرهنگی" تقسیم شده است. جنبه سیاسی شاخص جهانی‌شدن نیز انتشار سیاست‌های حکومت‌ها را اندازه‌گیری می‌کند و عبارت است از تعداد سفارتخانه‌ها و کمیسیون‌ها در یک کشور، تعداد سازمان‌های بین‌المللی که آن کشور در آنها عضویت دارد و تعداد مأموریت‌های شورای امنیت سازمان ملل در آن کشور.

^۱ این شاخص معیاری از جهانی‌شدن است. واژه KOF مخفف عبارت آلمانی Konjunkturforschungsstelle به معنی مؤسسه تحقیقات در زمینه کسب و کار است (علی‌زاده و گلخندان، ۱۳۹۵). شاخص KOF شامل سه زیرشاخص اصلی جهانی‌شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (رفعت، ۱۳۹۶).

^۲ Dreher

^۳ KOF index of economic globalization

^۴ KOF index of social globalization

^۵ KOF index of political globalization

بعد سیاسی جهانی شدن موجب می‌شود که افراد و گروه‌ها قدرتمند شوند و بتوانند به عنوان گروه‌های ذینفع بر دولت‌ها تأثیر بگذارند (جعفری صمیمی و بحرینی، ۱۳۹۴). تأثیر اخیر جهانی‌شدن در بسیاری از کشورها مشاهده شده و منجر به افزایش رشد اقتصادی شده است (آکادیری و آدبایو^۱، ۲۰۲۲؛ علی، شایان‌مهر، رادمهر، آمفو، آوونی، گیامفی و آگبوزو^۲، ۲۰۲۳). با این حال، درجه جهانی‌شدن و تأثیرات آن در بین کشورها با سطوح مختلف توسعه، متفاوت است. اما به‌طور کلی، روند توسعه اقتصادی در نتیجه افزایش جهانی‌شدن، با تشدید نابرابری درآمدی در بین کشورها، اثرات مثبتی را تجربه کرده است (تاباش، السانتیل، حمادی و دراچال، ۲۰۲۴).

۲. نابرابری درآمدی و کارآفرینی: کارآفرینی موجب پیشرفت و توسعه اقتصادی می‌شود و از طرفی، ارتقاء سطح توسعه اقتصادی در یک جامعه زمینه را برای تلاش و ایده‌های جدید کارآفرینانه هموار می‌کند (کندی آکرونک^۳، ۲۰۱۹؛ به نقل از طالقانی، نعمت‌الهی و زرجو، ۱۴۰۲). اثر دوجانبه کارآفرینی بر درآمد فردی در بسیاری از مطالعات (کاول و فایوریو^۴ (۲۰۱۱)، کریدی و هرا^۵ (۲۰۱۱)) تایید شده و استدلال می‌شود که کارآفرینی از یک جهت برای برخی از افراد دارای درآمد بالا محرک محسوب می‌شود. اما برای برخی دیگر از افراد دارای حرفه خوداشتغالی که سطح درآمدشان پایین‌تر از متوسط جامعه است، سبب کاهش درآمد می‌شود (همیلتون^۶، ۲۰۰۰؛ آستبرو و چن^۷، ۲۰۱۴)، که افزایش فاصله طبقاتی و بدترشدن توزیع درآمدی را به دنبال خواهد داشت. همچنین در بسیاری از اقتصادها، کارآفرینی یک انتخاب شغلی با درآمد فزاینده محسوب می‌شود (آدرتش^۸، ۲۰۰۹؛ هالوارسون، کورپی و ونبرگ^۹، ۲۰۱۸؛ به نقل از: نجفی، صامتی و جمالی (۱۳۹۸)).

در طول دو دهه گذشته به دلیل رشد نابرابری درآمد در سراسر جهان، تلاش‌های فزاینده‌ای توسط دولت‌های ملی برای اعمال سیاست‌هایی که فعالیت‌های کارآفرینی را تحریک و حمایت می‌کنند، صورت گرفته است (آنوخین و وینسنت^{۱۰}، ۲۰۱۲؛ راگوبی و الحربی، ۲۰۱۹). سان^{۱۱} (۲۰۲۲) تأکید می‌کند که نیاز به نیروی کار ماهر و کارآفرینی، نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد. در واقع، تقاضا برای نیروی کار، به دلیل عدم‌نیاز به مشاغل کم‌مهارت^{۱۲} تغییر کرده است که منجر به افزایش بیکاری به ویژه در میان افراد کم‌درآمد شده و همزمان، نوآوری راه را برای کارآفرینان با مهارت بالا هموار کرده است تا کسب و کارهای سودآور ایجاد شود و اختلاف ثروت را تشدید کنند (وانگ، پای، وانگ و شین، ۲۰۲۴).

در برخی مطالعات از توسعه کارآفرینی به‌عنوان یکی از الزامات دستیابی به عدالت اجتماعی و رفع نابرابری‌های درآمدی یاد شده است. طرفداران این دیدگاه معتقدند کارآفرینان با ارائه طرح‌های نوآورانه، بسیج

^۱. Akadiri and Adebayo

^۲. Ali, Shayanmehr, Radmehr, Amfo, Awuni, Gyamfi, & Agbozo

^۳. Kennedy & Akrong

^۴. Cowell and Fiorio

^۵. Creedy and Hérault

^۶. Hamilton

^۷. Astebro & Chen

^۸. Audretsch

^۹. Halvarsson, Korpi, & Wennberg

^{۱۰}. Anokhin and Wincent

^{۱۱}. Sun

^{۱۲}. low-skilled jobs

منابع و بهره‌گیری از ارتباطات مؤثر و برهم‌زدن معیارهای تجاری حاکم بر فضای کسب‌وکار، بستر مناسب برای مشارکت حداکثری آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی را فراهم می‌کنند و موانع موجود بر سر راه توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی و توزیع متعادل‌تر درآمد را مرتفع می‌سازند. اما برخی دیگر از صاحب‌نظران معتقدند توسعه کارآفرینی لزوماً به کاهش نابرابری درآمد منجر نمی‌شود. بلکه انگیزه افراد از کارآفرینی در نحوه اثرگذاری کارآفرینی بر نابرابری درآمد مؤثر است و می‌تواند نابرابری درآمد را افزایش یا کاهش دهد (لکونا^۱، ۲۰۱۹؛ به نقل از: شاه‌آبادی، پوران و سلیمانی، ۱۴۰۲).

۳. نابرابری درآمدی و حکمرانی جهانی^۲: یکی از مهم‌ترین مباحثی که تا به امروز کشورها با آن روبه‌رو بوده‌اند حکمرانی می‌باشد. مسئولان سیاسی و رهبران همواره کوشش می‌کنند که نظام سیاسی‌شان را کارآمدتر نمایند. تمام دولت‌ها مدعی هستند که بسترسازی می‌کنند تا از طریق بهسازی نهادی، فردی و اجتماعی، زمینه حکمرانی خوب را فراهم آورند. اما این که تا چه اندازه به این مهم دست پیدا کرده‌اند، نیاز به بررسی و بحث دارد. حکمرانی در ذات خود تعامل و همکاری بین نظام سیاسی و جامعه مدنی یا تعامل بین شهروندان و دولت را به همراه دارد و به پویایی‌ها یا مراحل تصمیم‌گیری در جامعه، چگونگی استفاده از قدرت و نحوه روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره می‌کند. به عبارت دیگر حکمرانی در پیوند با نحوه استفاده از قدرت، پاسخگویی و تعامل معنا می‌یابد (کبیری^۳، ۲۰۱۰؛ به نقل از: خواجه محمدلو، ۱۳۹۹). شاخص کیفیت حکمرانی علاوه بر اینکه توصیف جدیدی از مفاهیمی چون حقوق بشر، مشارکت، دموکراسی، حاکمیت قانون و پاسخگویی است، در عین حال چارچوبی به دست می‌دهد که همه این ارزش‌ها و اهداف در یک‌جا انباشته شوند و اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با محوریت مردم، دنبال شود. شاخص کیفیت حکمرانی بیانگر توسعه انسان‌محور است. بحث شاخص کیفیت حکمرانی از اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح شد. این نهاد معتبر بین‌المللی، در گزارشی برای اولین بار شاخص کیفیت حکمرانی را به عنوان نظام قضایی قابل اعتماد، ارائه خدمات عمومی کارآمد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرد (استو^۴، ۱۹۹۲). حضور حکمرانی خوب برای توزیع برابر درآمدها و کاهش سطح فقر الزامی است (شکلبایی، خسروآبادی و زاینده‌رودی، ۱۳۹۵؛ به نقل از: خواجه محمدلو، پدرام و مهرجو، ۱۳۹۹). تعریفی که بانک جهانی برای حکمرانی ارائه نموده، این‌گونه است که آن را به عنوان نهاد و سنت‌هایی تعریف می‌کند که به وسیله آنها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و شاخص‌های مورد نظر عبارتند از: ثبات سیاسی، حق اظهارنظر و پاسخگویی، کیفیت قوانین و مقررات، کارایی و اثربخشی دولت، کنترل فساد و حاکمیت قانون.

۴. نابرابری درآمدی و تورم: یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر نابرابری توزیع درآمد در ادبیات اقتصادی تورم است. مشکلاتی که به با وجود تورم بر کشورها تحمیل می‌شود، به قدری حائز اهمیت هستند که کمتر

^۱. Lecuna

^۲. The governance or institutional quality index

^۳. Kabiri

^۴. Stowe

پژوهش اقتصادی را می‌توان نام برد که تورم را نادیده بگیرد (رمزی^۱، ۱۹۲۸؛ گالی و واندر^۲، ۲۰۰۴؛ به نقل از: عزیزی، زارع، امینی‌فرد و خداپرست، ۱۴۰۱).

از مهم‌ترین مشکلات وجود تورم در اقتصاد می‌توان عدم تخصیص بهینه منابع، نابرابری درآمدی، کندشدن روند رشد اقتصاد و ایجاد نااطمینانی از آینده، کاهش قدرت خرید، کاهش ارزش حقیقی پرداخت‌های انتقالی دولت (مانند یارانه‌های نقدی و بیمه‌های بیکاری)^۳ و کاهش ارزش حقیقی بدهی‌های اسمی^۴ و غیره را نام برد.

ولسج^۵ (۲۰۰۴) معتقد است که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد تورم است، اما تأثیر تورم بر نابرابری درآمد به لحاظ نظری مشخص نیست. گالی و واندر^۶ (۲۰۰۱) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که اثر خالص تورم بر نابرابری درآمد در بلندمدت به نرخ اولیه تورم بستگی دارد. چنانچه نرخ تورم بالا باشد، کاهش تورم از طریق آثار مثبت آن می‌تواند نابرابری درآمد را کاهش دهد. برعکس، اگر نرخ تورم پائین باشد، احتمال دارد منافع توزیع ناشی از تورم ناچیز باشد و نابرابری درآمدی را بدتر کند (آمورتنام، ۲۰۰۴، مونین^۷، ۲۰۱۴، به نقل از: زروکی، عبدی سیدکلایی و یوسفی بارفروشی، ۱۴۰۰).

۵. نابرابری درآمدی و درآمد سرانه: تولید ناخالص داخلی سرانه برای سنجش قدرت توضیح‌دهندگی ظرفیت و توان اقتصادی کشورها بکار می‌رود. اولین مطالعات انجام‌شده در زمینه عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد در مورد تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد بوده است (نیلی و فرح‌بخش، ۱۳۷۷؛ به نقل از: کوچک‌زاده، حیدری، یزدی فیض‌آبادی و شکیبایی، ۱۴۰۰).

از دیدگاه ادبیات نظری و بسیاری از مطالعات صورت‌گرفته برای اندازه‌گیری توزیع درآمد، پرکاربردترین شاخص مورد استفاده شاخص ضریب جینی^۸ می‌باشد. این شاخص بین صفر و یک تغییر می‌کند؛ مقدار یک این شاخص، بیانگر توزیع ناعادلانه درآمد و مقدار صفر بیانگر توزیع عادلانه درآمد است. در جدول زیر، ضریب جینی ایران و کشورهای منتخب به ترتیب توزیع عادلانه درآمد (کمترین میزان ضریب جینی) برای سال‌های ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ رتبه‌بندی و نمایش داده شده است.

^۱. Ramzy

^۲. Galli and Vander

^۳. از آنجا که دریافت‌کنندگان پرداخت‌های انتقالی به‌طور معمول جزو فقیرترین بخش جامعه هستند، چنانچه این پرداخت‌ها با تورم تعدیل نشود، تورم از این طریق موجب افزایش نابرابری می‌شود. علاوه بر این، تورم با کاهش ارزش حقیقی دارایی‌های پولی موجب افزایش نابرابری می‌شود. زیرا فقرا در مقایسه با ثروتمندان، نسبت بیشتری از دارایی‌های پولی خود را به شکل پول نقد نگه می‌دارند و بیشتر در معرض کاهش قدرت خرید ناشی از تورم قرار دارند.

^۴. توزیع مجدد درآمد از بستنکاران به بدهکاران صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر، بدهکاران از تورم نفع می‌برند. زیرا دیونی را پرداخت می‌کنند که قدرت خرید واقعی آنها کاهش یافته است. از آنجا که فقیران معمولاً به‌طور متوسط بدهکار هستند، افزایش تورم از این کانال به‌طور متوسط به نفع آنها است و نابرابری را کاهش می‌دهد.

^۵. Volsch

^۶. Galli and Vander

^۷. Monnin

^۸. Gini Coefficient

جدول ۱. رتبه‌بندی برابری توزیع درآمد در بین کشورهای مورد بررسی^۱

مأخذ: سایت WDI

ردیف	سال	۲۰۱۹ ^۲		۲۰۲۰ ^۲		۲۰۲۱	
		کشور	مقدار	کشور	مقدار	کشور	مقدار
۱		بلژیک	۲۷/۲	ارمنستان	۲۵/۱	قزاقستان	۲۹/۲
۲		هلند و سوئیس	۲۹/۲	بلژیک و هلند	۲۶	فرانسه	۳۱/۵
۳		ارمنستان	۳۰	سوئیس	۲۸/۹	انگلستان	۳۲/۴
۴		فرانسه	۳۱/۲	فرانسه	۳۰/۷	هند	۳۲/۸
۵		آلمان	۳۱/۷	انگلستان	۳۲/۶	گرجستان	۳۴/۲
۶		انگلستان	۳۲/۸	گرجستان و هند	۳۴/۵	ایتالیا و تایلند	۳۴/۸
۷		ایتالیا و تایلند	۳۴/۶	تایلند و ایتالیا	۳۵/۱	ایران	۳۵/۵
۸		هند	۳۵	روسیه	۳۶	اندونزی	۳۷/۹
۹		گرجستان	۳۵/۹	چین	۳۷/۱	ترکیه	۴۴/۴
۱۰		اندونزی و روسیه	۳۷/۶	اندونزی و برزیل	۳۷/۶	برزیل	۵۲/۹

براساس اطلاعات استخراج‌شده از سایت شاخص‌های توسعه جهانی (WDI)^۴ که در جدول بالا ارائه شده است؛ کشورهای دارای رتبه اول کمترین میزان نابرابری و کشورهای دارای رتبه پایین‌تر (رتبه دهم)، بالاترین میزان نابرابری را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان در طول سال‌های ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ رتبه اول توزیع عادلانه درآمد، به ترتیب مختص کشورهای بلژیک (۲۵/۱)، ارمنستان (۵۲/۹) و قزاقستان (۲۹/۲) بوده است. از طرفی کشورهایی مانند فرانسه، انگلستان، هند و گرجستان نیز توانسته‌اند رتبه خود را در سال ۲۰۲۱ ارتقاء دهند و توزیع درآمد عادلانه‌تری را تجربه کنند.

لازم به ذکر است که توزیع درآمدی کشور ایران، از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ روند افزایشی را طی کرده است. به طوری که در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، ایران به ترتیب با ضریب جینی ۳۷/۴ و ۳۶/۵ رتبه سیزدهم^۵ (در بین ۱۳ کشور) را به خود اختصاص داد و در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ با ارقام ۳۵/۸ و ۳۵/۵، در بین کشورهای مورد بررسی به ترتیب به رتبه دوازدهم و یازدهم رسید. بعلاوه کشور ایران در سال ۲۰۲۲ با ضریب جینی ۳۴/۸ توانسته

^۱. آمار سال ۲۰۲۳ فقط برای کشور اندونزی (با عدد ۳۸/۳) وجود داشت و برای سال ۲۰۲۲ نیز تنها برای کشورهای اندونزی (۳۷/۹)، ایران (۳۴/۸)، ارمنستان (۲۷/۹) و برزیل (۵۲) در دسترس بود و برای سایر کشورهای مورد بررسی شاخصی ارائه نشده بود.

^۲. در بین ۱۸ کشور مورد بررسی آمار ضریب جینی مربوط به کشور قزاقستان در سال ۲۰۱۹ در دسترس نبود.

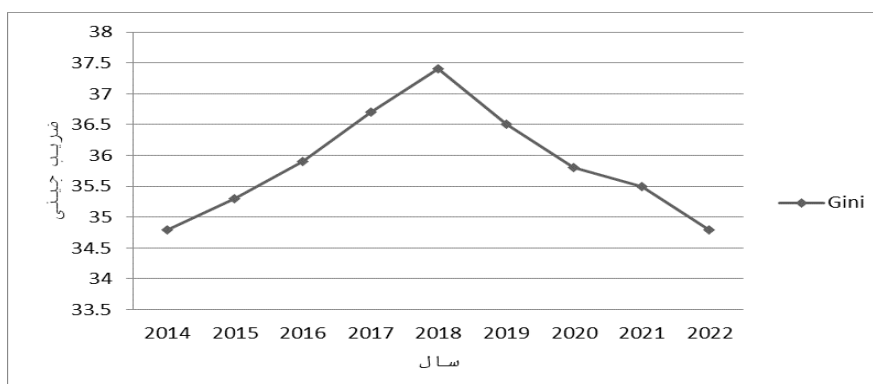
^۳. در بین ۱۸ کشور مورد بررسی آمار ضریب جینی مربوط به کشور قزاقستان، فرانسه، ایتالیا، آلمان، ایران، ترکیه، روسیه، چین، بلژیک، گرجستان و انگلستان در سال ۲۰۲۱ در دسترس نبود.

^۴. World Development Indicator (WDI, 2017)

در سایت شاخص‌های توسعه جهانی (<http://www.Worldbank.org>)، آمارها و شاخص‌هایی از متغیرهای مختلف، از منابع رسمی شناخته‌شده بین‌المللی گردآوری شده است.

^۵. توجه شود که برخی از کشورها همزمان یک رقم مشابه داشته و به همین علت همزمان در یک رتبه قرار گرفته‌اند (برای مثال در سال ۲۰۱۸، رتبه ۷ و ۱۰).

است توزیع درآمدی خود را بیشتر بهبود بخشد، اما به دلیل ارائه نشدن آمار بیشتر کشورهای مورد بررسی، رتبه‌بندی قابل اعمال نمی‌باشد. در نمودار زیر روند تغییرات ضریب جینی نمایش داده شده است (شاخص توسعه جهانی، ۲۰۲۴).



شکل ۱. نمودار روند تغییرات ضریب جینی برای کشور ایران
مأخذ: شاخص توسعه جهانی (WDI)

همان طور که نمودار بالا نشان می‌دهد، شاخص ضریب جینی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ روند افزایشی داشته است؛ بدین معنی که توزیع درآمد بدتر شده است. در سال ۲۰۱۸، به بالاترین رقم ۳۷/۴ رسید و سپس برای سال‌های بعد شروع به کاهش کرد و این نشان‌دهنده بهبود توزیع درآمد در سال‌های اخیر بوده است (شاخص توسعه انسانی، ۲۰۲۴).

پیشینه تجربی

تابش، السانتیل، حمادی و دراچال (۲۰۲۴) با استفاده از روش حداقل مربعات دو مرحله ای^۱ (2SLS) به بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر نابرابری درآمدی در ۱۸ کشور درحال توسعه در طول سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۲۱ پرداختند. نتایج بدست آمده حاکی از آن بود که شاخص جهانی‌شدن KOF و ابعاد مختلف آن (یعنی جهانی‌شدن اقتصادی، سیاسی و اجتماعی)، بر نابرابری درآمدی اقتصادهای درحال توسعه تأثیر منفی دارد. همچنین متغیرهای بازبودن تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کاهش نابرابری درآمدی منجر شدند. در این پژوهش پیشنهاد شده است که کشورهای درحال توسعه، سیاست گسترش فرصت‌های تجاری و بازکردن بازارها را دنبال کنند. همچنین دولت‌ها می‌توانند با ترویج جهانی‌شدن در راستای ارتقای استانداردهای زندگی ساکنان خود، کاهش نرخ فقر و کاهش شکاف درآمدی را بدست آورند.

^۱. Two-stage least squares

روش 2SLS یک روش عمومی برای تخمین سیستم معادلات همزمان است. این روش مبتنی بر استفاده از متغیرهای ابزاری برای متغیرهای درون‌زای معادله می‌باشد (سوری، ۱۳۹۴).

چلیک و ساین^۱ (۲۰۲۲) با استفاده از روش پانل گرنجر بوت استریپ^۲، رابطه علیت بین فناوری، نوآوری و نابرابری درآمد را مورد بررسی قرار دادند. برآوردها برای کشورهای عضو گروه جی-هفت (G7)^۳ در طول سالهای ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۵ صورت گرفت. نتایج نشان می‌دهد که رابطه علیت دوطرفه مورد بررسی، در کشورهای عضو وجود ندارد (به جز کشور فرانسه). همچنین افزایش تکنولوژی و نوآوری بسته به نوع کشورها، دارای تأثیرات مثبت و منفی بر نابرابری درآمدی است.

قوش^۴ (۲۰۲۰) در پژوهشی برای کشورهای آسیای جنوب شرقی^۵ به بررسی تأثیر متقارن و نامتقارن نوسانات رشد اقتصادی و متغیرهای توسعه مالی و جهانی‌شدن، تورم، تشکیل سرمایه انسانی و سیاست‌های مالی بر نابرابری درآمد پرداخت. برآوردها در این پژوهش، با استفاده از روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی^۶ طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۵ صورت گرفت. همچنین در این پژوهش، سعی شده است تا رابطه علی بین نابرابری در توزیع درآمد و نوسانات رشد اقتصادی و به‌طور همزمان، ارتباط بلندمدت و پویایی‌های کوتاه‌مدت در ساختار سری‌های زمانی بررسی شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که یک رابطه هم‌انباشتگی بلندمدت بین نابرابری درآمد و نوسانات رشد، با تأثیر مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین طبق آزمون علیت تودا و یاماموتو^۷ (۱۹۹۵) یک رابطه علیت دوطرفه، از انتقال نابرابری به بی‌ثباتی رشد اقتصادی وجود دارد.

صیامی-نمینی و هادسون^۸ (۲۰۱۹) با آزمون علیت گرنجر و الگوی تصحیح خطای برداری، رابطه بین تورم و نابرابری درآمد را در ۶۶ کشورهای درحال توسعه و ۲۴ کشور توسعه‌یافته در دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۰ مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج نشان داد که بین متغیرها رابطه هم‌جمعی بلندمدتی برقرار است و وجود یک رابطه غیرخطی^۹ بین تورم و نابرابری درآمد بر اساس فرضیه کوزنتس اثبات می‌شود. از طرفی، با افزایش تورم، نابرابری کاهش می‌یابد، به کمینه می‌رسد و دوباره افزایش می‌یابد. همچنین در کوتاه‌مدت هیچ رابطه علیت دوطرفه‌ای بین تورم و نابرابری درآمد وجود ندارد، ولی در بلندمدت برای هر دو کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته این رابطه وجود دارد.

شاه‌آبادی، پوران و سلیمانی (۱۴۰۲)، تأثیر کارآفرینی بر نابرابری درآمد را در دو گروه از کشورهای منتخب درحال توسعه و توسعه‌یافته طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۹ بررسی نمودند. در این راستا به منظور دستیابی به نتایج دقیق‌تر، شاخص کارآفرینی به دو گروه ضرورت‌گرا و فرصت‌گرا تفکیک و در مدل منظور شده است. مدل

^۱. Celik & Sayn

^۲. Application of the Bootstrap Panel Granger Causality Test

^۳. گروه جی‌هفت (G7)، یک سازمان بین‌دولتی متشکل از کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا به اضافه اتحادیه اروپا (عضو غیرشماره‌ای) است که شامل اقتصادهای پیشرفته بزرگ صنوق بین‌المللی پول هستند و بیش از نیمی از دارایی خالص جهانی (بیش از ۲۰۰ تریلیون دلار)، ۳۰ تا ۴۳ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی و ۱۰ درصد از جمعیت جهان (۷۷۰ میلیون نفر) را تشکیل می‌دهند و اعضای آن، روابط نزدیک دوجانبه سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی در امور جهانی دارند.

^۴. Ghosh

^۵. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

کشورهای منتخب عبارت بودند از: مالزی، اندونزی، تایلند، سنگاپور و فیلیپین

^۶. Non-Linear Seemingly Unrelated Regressions (NLSUR)

^۷. Toda and Yamamoto

^۸. Siami-Namini & Hudson

^۹. U shape relationship

برآوردی با استفاده از داده‌های تابلویی و به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)^۱ به تفکیک دو گروه از کشورهای منتخب برآورد گردید. نتایج نشان داد کارآفرینی ضرورت‌گرا بر نابرابری درآمد در هر دو گروه از کشورهای منتخب تأثیر منفی و معنی‌داری دارد. اما ضریب برآوردشده مربوط به آن در کشورهای توسعه‌یافته بزرگتر است. همچنین، کارآفرینی فرصت‌گرا بر نابرابری درآمد در هر دو گروه از کشورهای منتخب تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. اما ضریب برآوردشده مربوط به آن در کشورهای توسعه‌یافته بزرگتر است.

قاسمی دهقی (۱۴۰۲) با استفاده از دو مدل توصیفی و کمی به بررسی تأثیر عوامل اقتصادی-سیاسی بر نابرابری درآمد در برنامه‌های اول تا ششم توسعه پرداختند. در مدل کمی با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۷۵-۱۴۰۰ و روش OLS^۲، نتایج نشان داد که متغیرهای رشد اقتصادی و رشد بدهی دولت و کنترل فساد، دارای تأثیر مثبت بر نابرابری درآمدی بوده و متغیرهایی از قبیل بیکاری، تورم و شاخص ثبات سیاسی، نابرابری درآمدی را کاهش داده‌اند. در بخش توصیفی، تأثیر مؤلفه‌های سیاست‌های اقتصادی (سیاست‌های مالی، پولی، ارزی و توزیعی)، مؤلفه‌های سیاسی (اختلافات داخلی و خارجی و گسترش فساد) و شرایط اقتصادی کشور (رشد تولید ناخالص داخلی، تحولات سرمایه‌گذاری و بازار کار) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که اعمال سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی به کاهش نابرابری درآمد منجر نشده است. زیرا فضای سیاسی و سیاست‌های اقتصادی (از جمله سیاست‌های مالی، پولی، ارزی)، تأثیر سیاست‌های مقابله با فقر و نابرابری درآمد را خنثی کرده و موجب افزایش نابرابری درآمد شده است. همچنین افزایش تنش در روابط بین‌المللی به افزایش ریسک اقتصادی، افزایش تورم و نرخ ارز منجر شده و تشدید نابرابری درآمد را به دنبال داشته است. بعلاوه گسترش فساد طی دوره مورد بررسی، انباشت ثروت در دست گروه محدودی از افراد جامعه را تشدید کرده است. این موضوع به ضرر گروه‌های پایین درآمدی بوده و موجب افزایش فاصله طبقاتی گردیده است.

امانی و احمدزاده (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر تکنولوژی، نوآوری و جهانی‌سازی بر نابرابری درآمدی در سه گروه از کشورهای با درآمد پایین (۱۹ کشور)، درآمد متوسط (۶۳ کشور) و درآمد بالا (۴۱ کشور) پرداختند. برآوردها با استفاده از رگرسیون چندکی در داده‌های تابلویی طی دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که تکنولوژی و نوآوری در تمامی دهک‌های مربوط به هر سه گروه درآمدی دارای تأثیر منفی و معنادار در جهت کاهش نابرابری درآمدی و در کشورهای با درآمد متوسط و بالا، در تمامی دهک‌ها دارای تأثیر منفی و معنادار بر نابرابری درآمدی می‌باشد.

با توجه به پیشینه پژوهش، همان‌طور که بیان گردید مطالعات تجربی بسیاری درخصوص ارتباط میان متغیرهای مختلف بر نابرابری درآمد صورت گرفته که به‌طور مشابه، تأثیر متغیرهای نرخ تورم، جهانی‌شدن و کارآفرینی بر نابرابری درآمد بررسی شده است. اما تحلیل همزمان متغیرهای جهانی‌شدن، کارآفرینی و حکمرانی جهانی بر نابرابری درآمد، به عنوان وجه تمایز این پژوهش محسوب می‌شود که تاکنون در هیچ

^۱. Generalized Method of Moments

روش GMM مبتنی بر مدل‌های پویای پل دیتا می‌باشد. این روش در معادلاتی که در تخمین آن‌ها اثرات غیرقابل‌مشاهده خاص هر کشور و وجود وقفه متغیر وابسته در متغیرهای توضیحی مشکل اساسی است، کاربرد دارد (بارو و لی، ۱۹۹۶).

^۲. با استفاده از روش OLS، مفروضات گاوس مارکوف شامل خطی‌بودن، نمونه‌گیری تصادفی، عدم وجود همخطی کامل، میانگین شرطی صفر، همسانی واریانس و توزیع نرمال باقیمانده‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرد (محمودزاده احمدی نژاد، ۱۴۰۰).

پژوهش دیگری انجام نشده است. از طرفی برطبق مطالعات قبلی، در بررسی متغیر نرخ تورم (به عنوان شاخصی از بی ثباتی اقتصاد بنا بر نوع کشورهای مورد مطالعه) بر نابرابری درآمد، اثرات متفاوتی بدست آمده و تعمیم نتایج بدست آمده از چنین مطالعاتی به کشورهای درحال توسعه از جمله ایران و شرکای تجاری آن، نیازمند مطالعات و بررسی های جدید می باشد که در این پژوهش مورد تحلیل قرار می گیرد.

روش شناسی پژوهش

روش انجام این پژوهش تحلیلی و کاربردی است؛ بدین معنی که با توجه به مبانی نظری عوامل تأثیرگذار بر نابرابری درآمد و مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه، به بررسی اثرات جهانی شدن، کارآفرینی و حکمرانی جهانی بر نابرابری درآمدی ایران و منتخبی از شورها پرداخته شده است. برآوردها با روش اقتصادسنجی داده های ترکیبی (پنل - دیتا)^۱ و با استفاده از نرم افزارهای اکسل و استاتا^۲ در طول سال های ۲۰۰۲-۲۰۲۱ صورت گرفته است. داده های ترکیبی مجموعه ای از داده ها است که شامل چند مقطع^۳ و یک دوره زمانی^۴ می باشند. در حالت کلی، تعداد مقاطع با N و دوره زمانی با T نمایش داده می شود. در این داده ها به دلیل آنکه تغییرات زمانی و تغییرات درون هر مقطع منعکس می شود، اطلاعات بیشتری ارائه می شود (سوری، ۱۳۹۴).

برای جمع آوری اطلاعات لازم در خصوص مباحث نظری و پیشینه پژوهش، از روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و سایت های علمی داخلی و خارجی استفاده شد. سپس مدل و الگوی مناسب پژوهش انتخاب گردید. در مرحله بعد با استفاده از پایگاه اطلاعاتی شاخص توسعه جهانی، داده های مورد نیاز گردآوری شد. جمع آوری داده های آماری از یک پایگاه اطلاعاتی یکسان، باعث می شود که کشورهای مورد بررسی، پایه اطلاعاتی مشابهی داشته باشند.

لازم به ذکر است، ابتدا ۴۲ کشور به عنوان جامعه آماری انتخاب گردید که به علت در دسترس نبودن برخی اطلاعات آماری^۵، در نهایت ۱۸ کشور آلمان، ایتالیا، فرانسه، قزاقستان، هندوستان، اندونزی، ایران، روسیه، ترکیه، ارمنستان، چین، برزیل، هلند، بلژیک، تایلند، گرجستان، سوئیس و انگلستان به عنوان منتخب ترین شرکای تجاری ایران انتخاب گردید.

کاآسا^۶ (۲۰۰۳) معتقد است طبق دسته بندی نظریات توزیع درآمد ساهوتا^۷ (۱۹۷۸)، عوامل مؤثر بر توزیع درآمد را می توان در پنج گروه رشد و توسعه اقتصادی (X_1)، عوامل جمعیت شناسی (X_2)، عوامل سیاسی (X_3)، عوامل تاریخی، فرهنگی و طبیعی (X_4) و عوامل اقتصاد کلان (X_5) تقسیم بندی کرد (عزیزی، زارع، امینی فرد و

^۱. Panel Data

^۲. Excel & Stata17

^۳. افراد، گروه ها، بنگاه ها، صنایع، کشورها و غیره

^۴. روز، هفته، ماه، فصل و سال

^۵. از جمله شاخص جینی

^۶. Kaasa

^۷. Sahota

^۸. ساهوتا (۱۹۷۸) نظریات توزیع درآمد را به نظریه توانایی، نظریه تصادفی، نظریه انتخاب فردی، نظریه سرمایه انسانی، نظریات مبتنی بر نابرابری تحصیلات، نظریات مبتنی بر ارث، نظریات ادوار زندگی، نظریات بازتوزیع درآمد عمومی، نظریات تکامل یافته و نظریات عدالت توزیع تقسیم کرده است.

خداپرست، ۱۴۰۱). بنابراین متغیرهای اثرگذار انتخاب گردید و سپس براساس مطالعه راگوبی و الحربی (۲۰۱۹)، از مدل برآوردی زیر در این پژوهش استفاده شد.

$$[Gini]_{jt} = f(X_{_1}, X_{_2}, X_{_3}, X_{_4}, X_{_5}) \quad (1)$$

$$[Gini]_{jt} = \beta_0 + \beta_1 KOF_{jt} + \beta_2 WG_{jt} + \beta_3 PC_{jt} + \beta_4 EN_{jt} + \beta_5 INF_{jt} + \varepsilon_t \quad (2)$$

Gini_{jt}: متغیر نابرابری توزیع درآمد است، که شاخص آن ضریب جینی در سال t و برای کشورهای مختلف (j) است.

KOF_{jt}: متغیر جهانی‌شدن، شاخصی ترکیبی از جهانی‌شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (در مطالعات درهر (۲۰۰۶)، درهر و نوئل^۲ (۲۰۰۸)، راگوبی و الحربی (۲۰۱۸)، راگوبی و الحربی (۲۰۱۹)، خاوند و خداپرست شیرازی، (۱۳۹۹) بکار رفته است). داده‌های این شاخص بین صفر و ۱۰۰ قرار دارد و مقادیر بزرگ‌تر، وضعیت بهتر این شاخص را نشان می‌دهد.

EN_{jt}: متغیر کارآفرینی، به صورت شاخص خوداشتغالی است. (در مطالعات اکس و آموروس^۳ (۲۰۰۸)، آموروس و کریستی^۴ (۲۰۰۸)، آموروس، فرناندز و تاپیا^۵ (۲۰۱۲)، هالوارسون، کورپی و ونبرگ (۲۰۱۸)، راگوبی و الحربی (۲۰۱۹) و نجفی، صامتی و جمالی (۱۳۸۹) بکار رفته است).

WG_{jt}: شاخص حکمرانی جهانی است، که شش بعد کیفیتی از شاخص‌های حکمرانی را دربرمی‌گیرد (در مطالعات مک‌مولن، باگی و پالیچ^۶ (۲۰۰۸)، کافمن، کرای و ماستروزی^۸ (۲۰۰۹ و ۲۰۱۰)، هررا-چورری، هار و استیوز-برتون^۹ (۲۰۱۴) و راگوبی و الحربی (۲۰۱۸ و ۲۰۱۹) بکار رفته است).

PC_{jt}: متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه، مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصادی در اقتصاد کلان محسوب می‌شود. (در مطالعات قوش (۲۰۲۰)، راگوبی و الحربی (۲۰۱۸)، بهمنی‌اسکویی و گیلان (۲۰۰۸)، ون‌استل، استاری و سوریک^{۱۰} (۲۰۰۵)، نجفی، صامتی و جمالی (۱۳۸۹)، هادوی علی‌آبادی و قبادی (۱۳۹۵) و دهمرده و شکری (۱۳۸۹) بکار رفته است).

INF_{jt}: متغیر نرخ تورم (در مطالعات علی و رحمان (۲۰۱۵)، شهپاز (۲۰۱۳)، اقبال و نواز (۲۰۰۹) و دهمرده و شکری (۱۳۸۹) از تورم به عنوان پروکسی برای بی‌ثباتی اقتصاد کلان استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

^۱. KOF Index of globalization (<http://globalization.kof.ethz.ch>)

^۲. Dreher & Noel

^۳. Acs and Amoros

^۴. Amoros & Cristi

^۵. Amoros, Fernandez & Tapia

^۶. شاخص‌های حکمرانی جهانی (WGI) شامل شش بعد کیفیتی از شاخص‌های حکمرانی است: مسئولیت‌پذیری، ثبات سیاسی و عدم‌وجود خشونت یا تروریسم، اثربخشی دولت، کیفیت نظارتی، حاکمیت قانون و کنترل فساد.

^۷. McMullen, Bagby & Palich

^۸. Kaufman, Kraaym & Mastruzzi

^۹. Herrera-Echeverri, Haar & Estévez-Bretón

^{۱۰}. Van Stel, Storey & Thurik

در اقتصادسنجی داده‌های پنل، نخستین مرحله، تشخیص استقلال مقطعی^۱ بین داده‌هاست؛ در این پژوهش از آزمون CD پسران^۲ (۲۰۰۴) استفاده شده است. از مزیت‌های این آزمون این است که برای داده‌های پنل متوازن و نامتوازن قابل اجرا بوده و در نمونه‌های کوچک دارای خصوصیات مطلوبی است. همچنین، نسبت به وقوع یک یا چند شکست ساختاری در ضرایب شیب رگرسیون فردی مقاوم است (نجفی، ۱۳۹۷). نتایج بدست آمده از این آزمون در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲. آزمون CD پسران

مأخذ: یافته‌های پژوهش

P-value	CD-test
۰/۰۸۶	۱/۷۱

برطبق آزمون بالا، فرض صفر مبنی بر استقلال مقطعی برای مدل برآوردی در سطح احتمال ۹۵٪ تایید می‌شود. بنابراین در ادامه می‌توان از آزمون‌های ریشه واحد^۳ نسل اول (لوین و لین^۴ (LLC)، ایم، پسران و شین^۵ (IPS)، مدلا و وو^۶ (MW) و غیره) استفاده کرد^۷. در این پژوهش آزمون ریشه واحد IPS بکار رفته است.

جدول ۳. آزمون‌های ریشه واحد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نام متغیرها	آماره	P-value	نتایج
Gini	-۴/۰۴	۰/۰۰۰	I(0)
KoF	-۱۰/۷۵	۰/۰۰۰	I(1)
WG	-۲/۵۴	۰/۰۰۵	I(0)

^۱. Cross-Sectional Independence

^۲. Pesaran's Cross-Section Dependence Test

در داده‌های پنل-دیتا، آزمون CD پسران قبل از بررسی مانایی داده‌ها و جهت تشخیص استفاده از انواع آزمون‌های مانایی، بکار می‌رود و فرض صفر آن استقلال بین مقاطع است.

^۳. Panel Unit Root

^۴. Levin- Lin

این آزمون توسط لین، لوین و چو (۲۰۰۲) ارائه شد و برای بررسی مانایی در پنل‌هایی با اندازه متوسط (یعنی ۱۰ تا ۲۵۰ واحد مقطع و ۲۵ تا ۲۵۰ سال) استفاده می‌شود. بالتاجی (۲۰۰۸) عنوان کرد که شرط کارایی این مدل این است که تعداد مقاطع کمتر از سال باشد. همچنین این آزمون برای پنل‌های متوازن طراحی شده است.

^۵. Im, Pesaran and Shin

این آزمون خاص پنل‌های نامتوازن بوده و در آن تعداد مقاطع و سال‌ها می‌توانند ثابت یا نامحدود باشند و یا هر دو به سمت بی‌نهایت میل کنند.

^۶. Maddala and Wu

آزمون مدلا و وو، همان آزمون فیشر است. این آزمون در پنل‌های نامتوازن نیز کاربرد دارد و در آن بعد زمان باید به سمت بی‌نهایت میل کند؛ اما تعداد مقاطع می‌تواند محدود یا نامحدود باشند.

^۷. داده‌های مانا داده‌هایی هستند که دارای میانگین ثابت، واریانس ثابت و کوواریانس ثابت برای هر وقفه معین هستند. استفاده از داده‌های نامانا در تحلیل‌های رگرسیونی می‌تواند منجر به برآورد رگرسیون‌های کاذب شود. از این رو شناخت و رفع مشکل نامانایی متغیرها در تحلیل‌های اقتصادسنجی بسیار مهم است (مهرگان و دلیری، ۱۳۹۲). در نرم‌افزار استاتا، آزمون‌های متعددی برای بررسی مانایی (بسته به تایید یا عدم تایید وابستگی بین مقاطع) ارائه شده است.

I(1)	۰/۰۰۰	-۷/۶۸	EN
I(0)	۰/۰۰۰	-۴/۳۰	PC
I(0)	۰/۰۰۰	-۷/۱۷	INF

همان‌طور که نتایج جدول بالا نشان می‌دهند، متغیرهای ضریب جینی، تولید ناخالص داخلی سرانه و تورم در سطح مانا هستند و سایر متغیرها (شاخص جهانی شدن، کارآفرینی و حکمرانی جهانی) با یک وقفه مانا شده‌اند. در ادامه جهت جلوگیری از رگرسیون کاذب لازم است به بررسی رابطه هم‌انباشتگی بین متغیرها پرداخت. با توجه به اینکه استقلال مقطعی بین داده‌ها تایید شد، لذا از آزمون‌های هم‌انباشتگی پدرونی و کائو^۱ استفاده شده که نتایج برآورد در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴. آزمون‌های هم‌انباشتگی

مآخذ: یافته‌های پژوهش

هم‌انباشتگی کائو		
	آماره	P-Value
آماره t دیکی- فولر تعمیم یافته ^۲	-۲/۶۷	۰/۰۰۳
آماره t دیکی- فولر ^۳	-۲/۹۷	۰/۰۰۲
آماره t دیکی- فولر تقویت شده ^۴	-۱/۶۹	۰/۰۴۴
آماره t دیکی- فولر تعمیم یافته‌ی تعدیل نشده ^۵	-۳/۴۶	۰/۰۰۰
آماره t دیکی- فولر تعدیل نشده ^۶	-۳/۳۱	۰/۰۰۰
هم‌انباشتگی پدرونی		
	آماره	P-Value
آماره t فیلیپس- پرون تعمیم یافته ^۷	۲/۳۵	۰/۰۰۱
آماره t فیلیپس- پرون ^۸	-۶/۶۲	۰/۰۰۰
آماره t دیکی- فولر تقویت شده ^۹	-۶/۰۳	۰/۰۰۰

براساس آزمون‌های پدرونی و کائو در جدول بالا، فرض صفر مبنی بر عدم هم‌انباشتگی، با احتمال ۹۵٪ رد و وجود رابطه هم‌انباشتگی تایید می‌گردد. وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مدل را می‌توان پذیرفت و بدون هراس از رگرسیون کاذب، در تخمین مدل نهایی، متغیرها در سطح بکار می‌روند.

^۱. Pedroni and Kao Tests for Cointegration

^۲. Modified Dickey-Fuller t

^۳. Dickey-Fuller t

^۴. Augmented Dickey-Fuller t

^۵. Unadjusted modified Dickey-Fuller t

^۶. Unadjusted Dickey-Fuller t

^۷. Modified Phillips-Perron t

^۸. Phillips-Perron t

^۹. Augmented Dickey-Fuller t

در ادامه به دلیل اینکه روش مورد برآورد برای مدل ارائه شده روش داده‌های پانلی می‌باشد، برای انتخاب نوع تخمین به وسیله روش داده‌های تلفیقی^۱ و داده‌های پانلی ابتدا از آزمون چاو (F لیمر)^۲ استفاده می‌شود. فرض صفر این آزمون عدم وجود اثرات ثابت است و طبق آن عرض از مبدأ ثابت می‌باشد. سپس جهت تعیین تخمین مدل، در داده‌های تابلویی، لازم است به بررسی اثرات فردی و زمانی پرداخته شود. در داده‌های تابلویی یک طرفه فرض بر این است که تفاوت‌های فردی وجود دارد و این تفاوت‌ها در طول زمان تغییر نمی‌کند. اما ممکن است علاوه بر اثرات فردی یا گروهی، اثرات زمانی نیز وجود داشته باشد که در این صورت داده‌های تابلویی دوطرفه خواهیم داشت. بدین منظور لازم است هر دو اثرات فردی و زمانی (پانل یک طرفه یا دوطرفه^۳) بررسی شوند^۴. سپس برای برآورد الگو دو روش اثرات ثابت و تصادفی^۵ وجود دارد. از آزمون هاسمن^۶ برای انتخاب بین دو روش ذکر شده استفاده می‌شود. فرض صفر این آزمون عدم همبستگی بین اثرات فردی با متغیرهای توضیحی (اثرات تصادفی) است (سوری، ۱۳۹۴).

جدول ۵. بررسی روش برآورد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

آماره	مقدار	P-value	نتیجه
آزمون چاو	۱۵۸/۶۰	۰/۰۰۰	تایید وجود اثرات مقطعی
آزمون یک طرفه	۱/۵۲	۰/۰۷۹	تایید وجود اثرات دوطرفه مقطعی و زمانی
آزمون هاسمن	۵/۱۸	۰/۳۹۵	تایید اثرات دوطرفه تصادفی

بر اساس جدول بالا، مقدار آماره آزمون چاو مربوط به این الگو، با احتمال ۰/۰۰۰ به دست آمد. بنابراین فرضیه صفر رد و روش داده‌های پانلی تایید می‌شود. همچنین با توجه به آماره اثرات آزمون یک طرفه و دوطرفه بودن روش داده‌های پانلی، با احتمال ۰/۹۰، با حداکثر ۱۰ درصد خطای نوع اول، فرضیه اثرات دوطرفه تایید می‌شود. در نهایت بر طبق نتیجه آزمون هاسمن (با سطح احتمال ۰/۳۹۵) روش اثرات تصادفی تایید می‌گردد. به طور کلی بر طبق نتایج بدست آمده در جدول بالا، مدل با روش داده‌های پانلی اثرات تصادفی دوطرفه برآورد می‌گردد.

جدول ۶. نتایج برآوردهای صورت گرفته در مدل

مأخذ: یافته‌های پژوهش

^۱. Polling Data

^۲. F-limer Test

این آزمون برای انتخاب بین روش‌های پانل-دیتا و پولینگ-دیتا بکار می‌رود و در آن مقایسه بین مجموع مربعات جمله خطا در دو روش ذکر شده، صورت می‌گیرد. در این آزمون فرضیه صفر، یکسان بودن عرض از مبدأها (الزوم استفاده از پولینگ-دیتا) در مقابل فرضیه مخالف، ناهمسانی عرض از مبدأها (الزوم استفاده از پانل-دیتا) قرار می‌گیرد (مهرگان و دلیری، ۱۳۹۲).

^۳. One-way and two-way panel

^۴. جهت اطلاعات بیشتر در خصوص پانل دیتای یک طرفه و دوطرفه به اشرف‌زاده و مهرگان (۱۳۹۳، ۳۴-۱۱) مراجعه شود.

^۵. Random and Effect Methods

^۶. Hausman Test

متغیرها	ضریب	سطح معنی‌داری
Cons	۳۷/۹۰	۱۳/۷۵
KOF	-۰/۱۴	-۷/۳۷
EN	۰/۰۷۴	۵/۹۷
WG	۰/۴۷	۱۲/۸۸
INF	-۰/۰۱۵	-۱/۷۰
Pc	۰/۰۰۰۲	۸/۰۳

طبق نتایج برآوردهای صورت گرفته، شاخص جهانی شدن (KOF) دارای تأثیر منفی و معنادار می‌باشد؛ بدین معنی که با حرکت کشورها به سمت جهانی‌شدن، نابرابری درآمدی کاهش یافته است. این اثرگذاری می‌تواند به این علت باشد که اکثر کشورهای مورد بررسی (به استثنای برخی از کشورها) تا حدودی مراحل جهانی‌شدن را طی کرده‌اند.

متغیر کارآفرینی^۱ (EN) با شاخص خوداشتغالی، در برآوردها دارای ضریب ۰/۰۷۴ و معنادار شده است. هرچه در کشوری سطح خوداشتغالی بالاتر رود، میزان نابرابری درآمدی نیز حدود ۰/۰۷۴ افزایش می‌یابد. در بسیاری از مطالعات (کاول و فایوریو ۲۰۱۱)، کریدی و هراالت (۲۰۱۱) و تویسین و همکاران (۲۰۱۳) استدلال می‌شود که کارآفرینی از یک جهت برای برخی از افراد دارای درآمد بالا محرک محسوب می‌شود. اما برای برخی دیگر از افراد دارای حرفه خوداشتغالی که سطح درآمدشان پایین‌تر از متوسط جامعه است، سبب کاهش درآمد، افزایش فاصله طبقاتی و بدتر شدن توزیع درآمدی می‌شود. از سوی دیگر در تأیید تأثیر مثبت این متغیر می‌توان گفت، کارآفرینی با افزایش سودهای غیرطبیعی ناشی از فرآیند تخریب خلاق برای کارآفرینان موجب تمرکز بیشتر درآمد در دست اقلیتی از جامعه شده و نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. همچنین در برخی از کشورها (کشورهای توسعه‌یافته) به علت برخورداری بیشتر آنها از مؤلفه‌های دانش شامل زیرساخت‌های توسعه‌یافته فناوری اطلاعات، نیروی انسانی ماهر و متخصص، سیستم پیشرفته ابداع و نوآوری و سهم بالاتر فعالیت‌های تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی، درصد بیشتری از کارآفرینی نوپا را کسب‌وکارهای مبتنی بر فرصت شکل می‌دهد و توسعه هرچه بیشتر آنها باعث تمرکز میزان بیشتری از درآمد جامعه در اختیار درصد کمتری از افراد شده و نابرابری درآمد را با ضریب بزرگتری افزایش داده است. ضمن این که در این کشورها به علت محیط اقتصاد کلان مساعد و باثبات و رژیم نهادی مطلوب، احتمال شکست و انحلال کسب‌وکارهای نوپای مبتنی بر فرصت کمتر است. درنتیجه، تداوم فعالیت و رشد فزاینده آنها به عنوان عاملی در جهت تشدید شکاف درآمدی بین صاحبان این کسب‌وکارها و عامه مردم عمل نموده است (شاه‌آبادی، پوران و سلیمانی، ۱۴۰۲).

^۱ برطبق گزارش سایت دیده‌بان جهانی (Global Entrepreneurship Monitor)، کارآفرینی به‌عنوان نوعی تلاش برای مدیریت کسب‌وکار جدید (خوداشتغالی) یا توسعه کسب‌وکار موجود توسط فرد یا گروه یا سازمانی خاص تعریف شده است (نجنی، صامتی و جمالی، ۱۳۹۸).

متغیر حکمرانی جهانی (WG)^۱ بر نابرابری درآمدی با ضریب ۰/۴۷ تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمدی دارد. به عبارتی با حکمرانی بهتر، نابرابری درآمدی نیز افزایش یافته است. یکی از دلایل این اثرگذاری این است که حکمرانی بهتر می‌تواند یکی از محدودیت‌های توسعه و رشد اقتصادی باشد (رودری و طهرانچیان، ۱۳۹۹). درواقع با افزایش و بهبود شاخص حکمرانی یا با نظارت بهتر بر قوانین و مقررات و وضع موانع تجاری، بخشی از آزادی فرد در اقتصاد رسمی کاهش می‌یابد (به ویژه در کشورهای درحال توسعه) که به دنبال آن هزینه نیروی کار در بخش رسمی اقتصاد، بالا و به سمت فعالیت‌هایی در اقتصاد غیررسمی می‌رود. از سویی در ادامه درآمد دولت کمتر می‌شود که بر کمیت و کیفیت کالاهای عمومی اثرگذار خواهد بود و در نهایت بخشی از این کاهش درآمد دولت با افزایش نرخ مالیات جبران می‌شود.

در خصوص تأثیرگذاری متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه^۲ (PC) بر نابرابری درآمدی، ضریب مثبت و معنادار شده است، اگرچه ضریب بدست آمده بسیار ناچیز و نزدیک به صفر است. براساس ضریب برآوردی، هرچه سطح رشد و توسعه اقتصادی کشورهای مورد بررسی بالاتر رود، سطح نابرابری درآمدی این کشورها نیز افزایش می‌یابد. با افزایش درجه توسعه یافتگی کشورها، توزیع درآمد ناعادلانه‌تر شده است؛ بدین معنی که در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، با افزایش درآمد سرانه، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد تا اینکه به نقطه بیشینه (رسیدن به سطح مشخصی از توسعه) می‌رسد و پس از آن نابرابری درآمدی، روند نزولی خواهد داشت. بنابراین از آنجا که بسیاری از کشورهای مورد بررسی درحال توسعه محسوب می‌شوند، برطبق تئوری مطرح‌شده در این پژوهش رابطه مثبت بین درآمد سرانه و نابرابری درآمدی تأیید می‌شود.

متغیر کلیدی بعدی نرخ تورم (INF)^۳ است که برطبق برآوردهای صورت گرفته، در مدل برآوردی دارای علامت منفی و معنادار است و بیانگر آن است که هرچه سطح نرخ تورم این کشورها افزایش یابد، مقدار نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. اگرچه همان‌گونه که قبلاً مطرح شد در برخی مطالعات تأکید شده است که نتایج کاملاً مشخصی در این خصوص وجود ندارد (ولش^۴، ۲۰۰۴ و صیامی‌نیمینی و هادسون، ۲۰۱۹) و گاهی از تأثیرگذاری این متغیر بر نابرابری درآمدی نتایج متفاوتی حاصل شده است، اما تأثیر منفی تورم بر نابرابری درآمد از دو طریق (با افزایش نرخ تورم، کاهش ارزش حقیقی بدهی‌های اسمی و کاهش بیکاری) می‌تواند باعث کاهش نابرابری درآمدی شود. تأثیر منفی تورم بر نابرابری درآمدی در مطالعات کمیجانی و محمدزاده (۱۳۹۳)، گلخندان (۱۳۹۵) و گالی و اندرهوون (۲۰۰۱) و مومنین (۲۰۱۴) اثبات شده است. همچنین تأثیر مبهم تورم بر نابرابری درآمدی در مطالعات ولسج (۲۰۰۴) و جانتی و جنکینز (۲۰۱۰) و عزیزی، زارع، امینی‌فرد و

^۱. شاخص کیفیت حکمرانی علاوه بر اینکه توصیف جدیدی از مفاهیمی چون حقوق بشر، مشارکت، دموکراسی، حاکمیت قانون و پاسخگویی است و برای اولین بار در سال ۱۹۸۹ توسط بانک جهانی ارائه گردید.

^۲. شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه از تقسیم تولید ناخالص داخلی کشورها بر جمعیت آن‌ها بدست می‌آید و معیاری از میزان سطح رشد و توسعه‌یافتگی کشورها محسوب می‌شود.

^۳. نرخ تورم میانگین افزایش قیمت کالاها و خدمات در بلندمدت می‌باشد و یکی از شاخص‌های مهم اقتصاد کلان محسوب می‌شود و تأثیر مبهمی بر نابرابری درآمدی دارد. به همین دلیل در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

^۴. Volsch

خداپرست (۱۴۰۱) بررسی شده است. در نهایت شولتز^۱ (۱۹۶۹)، تورم را عاملی در جهت تشدید نابرابری دانست. تأثیر مثبت تورم بر نابرابری درآمد در مطالعات بلیندر و ایساکي^۲ (۱۹۷۸)، ابونوری^۳ (۲۰۰۳)، گالی و اندر (۲۰۰۴) و خانزادی و همکاران (۱۴۰۱) اثبات شده است. همچنین کول و تاو^۴ (۱۹۹۶) معتقد بودند که رابطه میان تورم و نابرابری درآمدی معنادار نیست (خانزادی، توسلی‌نیا، بهنیا و سلطانی، ۱۴۰۱). در ادامه پس از بررسی داده‌های اثرگذار بر کشورهای مورد بررسی، اثرات انفرادی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در کشور ایران برای دوره زمانی ۲۰۲۱-۲۰۰۲ برآورد گردیده که نتایج در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. بررسی اثرات انفرادی متغیرها در ایران

مأخذ: یافته‌های پژوهش

متغیرها	ضرایب	معناداری
KOF	۰/۱۹	۱۲/۴۹
EN	۰/۲۷	۱۱/۷۴
WG	-۴/۴۵	-۱۵/۱۰
INF	۱/۰۴	۱۰/۴۹
PC	۰/۰۰۰۲	۸/۸۱

برطبق نتایج جدول بالا، در کشور ایران ضرایب متغیرهای جهانی‌شدن، کارآفرینی، تورم و تولید ناخالص داخلی سرانه مثبت و معنادار بدست آمده و ضریب متغیر حکمرانی جهانی منفی و معنادار شده است. ضریب شاخص جهانی‌شدن نشان می‌دهد که کشور ایران در مسیر اولیه جهانی‌شدن قرار دارد. زیرا با افزایش شاخص جهانی‌شدن، نابرابری درآمدی حدود ۰/۱۹ افزایش یافته است. همچنین متغیرهای کارآفرینی و تولید ناخالص داخلی به ترتیب با ضرایب ۰/۲۷ و ۰/۰۰۱ تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمدی داشته است که با نتایج داده‌های پانلی همخوانی دارد. اما متغیر حکمرانی جهانی بر نابرابری درآمدی ایران تأثیر منفی دارد؛ به عبارتی با حکمرانی بهتر، نابرابری درآمدی کاهش یافته است. در نهایت متغیر تورم تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری دارد و با افزایش نرخ تورم در ایران، نابرابری درآمدی به میزان ۱/۰۴ واحد افزایش یافته است که طبق شواهد موجود کاملاً قابل درک است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در هر کشوری توزیع عادلانه درآمد یکی از مؤلفه‌های اصلی عدالت اجتماعی محسوب می‌شود و شناسایی عوامل اثرگذار بر آن در راستای دستیابی به این هدف از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا در این مطالعه سعی

^۱. Schultz

^۲. Blinder & Esaki

^۳. Abounoori

^۴. Cole & Tow

شده است که این موضوع در ایران و کشورهای منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۱ مورد بررسی قرار گیرد.

برطبق نتایج برآوردهای صورت گرفته، شاخص جهانی‌شدن دارای تأثیر منفی و معنادار است؛ بدین معنی که با حرکت کشورها به سمت جهانی‌شدن، نابرابری درآمدی کاهش یافته است و این اثرگذاری می‌تواند به این علت باشد که اکثر کشورهای مورد بررسی (به استثنای برخی از کشورها) در مراحل اولیه جهانی‌شدن قرار دارند. تأثیر منفی جهانی‌شدن بر نابرابری درآمدی در مطالعات تیکا، گلوبان و آرسیک^۱ (۲۰۲۲)، خان، شهزاد و احمد^۲ (۲۰۲۱)، ارزیس و پاپیراکس (۲۰۱۶)، امانی و احمدزاده (۱۴۰۱)، جلایی اسفندیاری و ستاری (۱۳۹۰)، خداویسی، نجارقابل و عزتی شورگلی (۱۳۹۶) و طهرانچیان (۱۳۹۶) تأیید شده است. متغیر کارآفرینی با شاخص خوداشتغالی، در برآوردها دارای ضریب ۰/۰۷۴ و معنادار شده است؛ یعنی هرچه در کشوری سطح خوداشتغالی بالاتر رود، میزان نابرابری درآمدی نیز حدود ۰/۰۷۴ افزایش می‌یابد. درواقع، کارآفرینی با شاخص خوداشتغالی از یک طرف باعث کاهش درآمد برخی از افرادی می‌شود که سطح درآمدی پایین‌تری از متوسط جامعه دارند و از طرفی دیگر، با افزایش سودهای ناشی از فرآیند تخریب خلاق برای کارآفرینان، موجب تمرکز بیشتر درآمد در دست اقلیتی از جامعه شده (به‌خصوص افرادی که از رانت استفاده کرده‌اند) و نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد (طالقانی، نعمت‌الهی و زرچو، ۱۴۰۲). علاوه بر برخی از کشورها به علت ثبات اقتصادی، احتمال شکست و انحلال کسب‌وکارهای نوپا کمتر است. درنتیجه، تداوم فعالیت و رشد فزاینده آنها، عاملی در تشدید شکاف درآمدی بین صاحبان کسب‌وکارها و عامه مردم عمل است. رابطه مثبت بین کارآفرینی و نابرابری درآمدی در مطالعات چلیک و ساین (۲۰۲۲)، لاو و سوون (۲۰۲۰)، هالوارسون، کورپی و ونبرگ (۲۰۱۸) و شاه‌آبادی، پوران و سلیمانی (۱۴۰۲) مورد تأیید قرار گرفته است. متغیر حکمرانی جهانی نیز بر نابرابری درآمدی با ضریب ۰/۴۷ تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمدی دارد. به عبارتی با حکمرانی بهتر، نابرابری درآمدی نیز افزایش یافته است؛ بدین معنی که با افزایش و بهبود نظارت بهتر بر قوانین و مقررات، بخشی از آزادی فرد در اقتصاد رسمی کاهش می‌یابد (به ویژه در کشورهای درحال توسعه) که به دنبال آن هزینه نیروی کار در بخش رسمی اقتصاد بالا می‌رود و افراد شاغل در این بخش به سمت فعالیت در اقتصاد غیررسمی کشیده می‌شوند. سپس با کاهش تولید در اقتصاد رسمی، درآمد دولت نیز کمتر می‌شود. بخشی از این کاهش با افزایش نرخ مالیات جبران و به بدترشدن توزیع عادلانه درآمد منجر می‌شود. تأثیر مثبت حکمرانی جهانی بر نابرابری درآمدی در مطالعات راگوبی و الحربی (۲۰۱۹)، هانگ و هونگ‌هو^۳ (۲۰۱۸) و مرادی، جعفری و فتاحی (۱۴۰۰) مورد تأیید قرار گرفته است.

در خصوص تأثیرگذاری متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه بر نابرابری درآمدی، ضریب مثبت و معنادار شده است، اگرچه ضریب بدست آمده بسیار ناچیز و نزدیک به صفر است. براساس ضریب برآوردی، هرچه سطح

^۱. Tica, Globan, & Arčabić

^۲. Khan, Shehzad & Ahmad

^۳. Huang and Haong Ho

رشد و توسعه اقتصادی کشورهای مورد بررسی بالاتر رود، سطح نابرابری درآمدی نیز افزایش می‌یابد. با افزایش درجه توسعه‌یافتگی کشورها، توزیع درآمد عادلانه‌تر شده است که براساس بسیاری از مطالعات انجام گرفته (بهمنی اسکویی و گیلان (۲۰۰۸)، کوچک‌زاده، حیدری، یزدی فیض‌آبادی و شکیبایی (۱۴۰۰)، نجفی، صامتی و جمالی (۱۳۹۸)، هادوی علی‌آبادی و قبادی (۱۳۹۵) و دهمرده و شکری (۱۳۸۹))، با فرضیه U معکوس کوزنتس همخوانی دارد. متغیر کلیدی بعدی نرخ تورم است که برطبق برآوردهای صورت‌گرفته، در مدل برآوردی دارای علامت منفی و معنادار است و بیانگر آن است که هرچه سطح نرخ تورم این کشورها افزایش یابد، مقدار نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. تأثیر منفی نرخ تورم بر نابرابری درآمدی در برخی مطالعات مورد تأیید واقع شده است، برای مثال؛ شولتز^۱ (۱۹۶۹)، تورم را را عاملی در جهت تشدید نابرابری دانست. همچنین بلیندر و ایساکي^۲ (۱۹۷۸)، ابونوری^۳ (۲۰۰۳)، گالی و اندر (۲۰۰۴) و خانزادی، توسلی‌نیا، بهنیا و سلطانی (۱۴۰۱) تأثیر تورم بر نابرابری درآمد را تأیید کردند.

در پایان، ضرایب انفرادی متغیرهای مورد بررسی برای کشور ایران نیز برآورد گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که طبق شاخص جهانی‌شدن، ایران در مسیر اولیه جهانی‌شدن قرار دارد. همچنین متغیرهای کارآفرینی و تولید ناخالص داخلی به ترتیب با ضرایب $۰/۲۷$ و $۰/۰۰۰۱$ تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمدی داشته است. بعلاوه متغیر تورم تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری دارد و با افزایش نرخ تورم در ایران، نابرابری درآمدی به میزان $۱/۰۴$ واحد افزایش یافته است که با نتایج داده‌های پانلی همخوانی دارد. در نهایت متغیر حکمرانی جهانی بر نابرابری درآمدی ایران تأثیر منفی دارد؛ به عبارتی با حکمرانی بهتر، نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد و وضع مقررات و اجرای قوانین باعث عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد می‌گردد.

در این راستا پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

۱- با توجه به تأثیر منفی جهانی‌شدن بر نابرابری درآمدی، پیشنهاد می‌گردد کشورهای مورد بررسی و به ویژه ایران، با رفع موانع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از طریق کاهش تعرفه‌ها، حمایت مالی از سرمایه‌گذاران، حفظ امنیت مالی و سیاسی، تشویق صادرکنندگان و رشد تجارت به افزایش سهم خود در مسیر جهانی‌شدن بیفزایند.

۲- از سوی دیگر برطبق نتایج حاصل از اثرگذاری مثبت دو شاخص کارآفرینی و توسعه‌یافتگی بر نابرابری درآمدی، لازم است دولت‌ها از طریق دانشگاه‌ها و پارک‌های علم و فن‌آوری، به افراد کارآفرین در سطح پایین درآمدی و جذب این افراد در مشاغل درآمدزا توجه بیشتری داشته باشند. همچنین با حذف موانع و مشکلات اداری، آنها را تحت حمایت‌های مالی قرار دهند و رانت‌های به‌وجود آمده برای افراد دارای درآمد بالاتر را حذف نمایند.

۳- با پیشرفت کارآفرینی و افزایش سطح توسعه‌یافتگی کشورها، یک عده بیشتر بهره‌مند شده و عده‌ای بازمانده‌اند و این نشان‌دهنده شکاف و وجود رانت در جامعه است. لذا پیشنهاد می‌گردد دولت‌ها و سیاست‌گذاران با اجرای قوانین و مقررات مالیاتی و یارانه‌ای این شکاف را کاهش دهند؛ به‌گونه‌ای که برطبق نتیجه شاخص

^۱. Schultz

^۲. Blinder & Esaki

^۳. Abounoori

حکمرانی جهانی، امکان فرار از اقتصاد رسمی و حرکت به اقتصاد غیررسمی تقلیل یابد تا به بدتر شدن نابرابری درآمدی منجر نشود.

۴- از آنجاکه برخی از مسائل مربوط به نابرابری درآمدی در سطح بین‌الملل رخ می‌دهند، بایستی به صورت مشارکت جهانی و یکپارچه میان کشورهای منطقه و در سطح بین‌الملل مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند و تنها با تصمیمات مقامات دولتی یک کشور کاملاً مشکلات نابرابری درآمدی حل نخواهد شد. لذا توصیه می‌گردد کشورها در تعامل با یکدیگر درصدد رفع مشکلات نابرابری درآمدی تفاهم‌نامه داشته باشند.

منابع

۱. اشرف‌زاده، حمیدرضا؛ مهرگان، نادر (۱۳۹۳). اقتصادسنجی پانل دیتای پیشرفته (چاپ اول). تهران: نشر نور علم، چاپ اول، ۳۴-۱۱.
۲. امانی، رامین؛ احمدزاده، خالد (۱۴۰۱). بررسی تاثیر تکنولوژی و نوآوری و جهانی‌سازی بر نابرابری درآمدی. نشریه علمی تحقیقات اقتصادی. ۵۷(۲)، ۲۵۷-۲۲۱.
۳. جعفری، مهدی؛ عمادی، سیدجواد؛ رمضان‌پور، اسماعیل (۱۴۰۰). بررسی تاثیر همزمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد ایران. فصلنامه اقتصاد کاربردی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۱(۳۶)، ۹۹-۳۹.
۴. جعفری‌صمیمی، احمد؛ بحرینی، نصرت (۱۳۹۴). مقایسه تأثیر ابعاد سه‌گانه (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) جهانی‌شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. راهبرد اقتصادی، ۴(۱۳)، ۷۷-۱۱۰.
۵. خانزادی، آزاد؛ توسلی‌نیا، علی؛ بهنیا، علی؛ سلطانی، میثم (۱۴۰۱). بررسی تأثیر پیچیدگی اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران، مجله توسعه و سرمایه، ۷(۲)، ۱۹-۱.
۶. خاوند، زهرا؛ خداپرست شیرازی، جلیل (۱۳۹۹). مقایسه تأثیر ابعاد سه‌گانه (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) جهانی‌شدن بر تخریب محیط زیست در ایران با استفاده از شاخص *KOF*. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱۲(۲)، ۷۵-۹۰.
۷. خداویسی، حسن؛ نجارقابل، سمیه؛ عزتی شورگلی، احمد (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین جهانی‌شدن و نابرابری درآمدی: کاربردی از مدل انتقال ملایم آستانه‌ای پانلی. تحقیقات اقتصادی، ۵۲(۱)، ۸۷-۶۱.

۸. خسروآبادی، محمد؛ زاینده‌رودی، محسن؛ شکیبایی، علیرضا (۱۳۹۵). رابطه حکمرانی خوب با نابرابری درآمدی در کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان همکاری. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۶(۱۶)، ۲۱۲-۱۸۱.
۹. خواجه محمدلو، علی؛ پدرام، مهدی؛ مهرجو، بهناز (۱۳۹۹). بررسی نقش اندازه دولت در تأثیر متغیرهای نهادی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق). ۱۷(۴)، ۱۶۲-۱۳۵.
۱۰. رفعت، منیره (۱۳۹۶). بررسی اثر جهانی‌شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر اجزاء مخارج دولت در ایران با تأکید بر مخارج کارا و غیرکارای دولت، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۶(۲۴)، ۲۴۷-۲۲۳.
۱۱. رودری، سهیل؛ طهرانچیان، امیرمنصور (۱۳۹۹). نقش اقتصاد غیررسمی بر کارآفرینی با تأکید بر شاخص کیفیت نهادی. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۸(۱۰۷)، ۳۰۸-۲۷۱.
۱۲. زروکی، شهریار؛ عبدی سیدکلایی، محمد؛ یوسفی بارفروشی، آرمان (۱۴۰۰). تحلیل نقش بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر نابرابری درآمد در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۱(۴)، ۶۳-۳۷.
۱۳. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ پوران، رقیه؛ سلیمانی، محمدرضا (۱۴۰۲). تأثیر کارآفرینی بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ۱۸(۱)، ۶۹-۸۹.
۱۴. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ چایانی، طیبیه؛ صادقی معتمد، زهرا (۱۴۰۱). بررسی اثر همزمان جهانی‌شدن با نوآوری بر پیچیدگی اقتصادی کشورهای منتخب جهان. نشریه مدیریت نوآوری، ۱۰(۳)، ۲۰۲-۱۸۱.
۱۵. طالقانی، غلامرضا؛ نعمت‌الهی، حمیدرضا؛ زرگو، شبنم (۱۴۰۲). تأثیر راهبردهای توسعه کارآفرینی بر کاهش فقر: بررسی نقش میانجی سرمایه اجتماعی. حکمرانی و توسعه، ۳(۳)، ۱۴۰-۱۱۹.
۱۶. عبدلی، ناهید (۱۴۰۱). طراحی الگوی توسعه اقتصادی- اجتماعی ایران با رهیافت فراترکیب. حکمرانی و توسعه، ۲(۲)، ۹۶-۵۵.
۱۷. عزیزی، علیرضا؛ زارع، هاشم؛ امینی‌فرد، عباس؛ خداپرست، جلیل (۱۴۰۱). اندازه‌گیری نرخ تورم بهینه با هدف حداقل‌سازی نابرابری اقتصادی: رویکرد تعادل عمومی پویای تصادفی. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۶(۳)، ۳۷۹-۳۵۵.
۱۸. علیزاده، محمد؛ گلخندان، ابوالقاسم (۱۳۹۵). تعیین‌کننده‌های قوی اندازه بخش عمومی در ایران، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۱۹(۴)، ۲۸-۱.
۱۹. قاسمی دهقی، مرضیه (۱۴۰۲). ریشه‌های اقتصادی- سیاسی نابرابری درآمد در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. دانشکده علوم اقتصادی و اداری.
۲۰. کوچک‌زاده، سمیه؛ حیدری، حسن؛ یزدی فیض‌آبادی، وحید؛ شکیبایی، علیرضا (۱۴۰۰). آیا سالمندی جمعیت بر نابرابری درآمدی در ایران تأثیرگذار است؟ مجله سالمندی ایران. دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی. ۱۶(۳)، ۴۱۱-۳۹۶.
۲۱. محمودزاده احمدی نژاد، شهریار (۱۴۰۰). درآمدهای رانتی و تأثیر آن بر روی ظرفیت دولت‌ها در بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه. حکمرانی و توسعه، ۱(۴)، ۱۴۲-۱۰۳.

۲۲. مرادی، فاطمه؛ جعفری، محمد و فتاحی، شهرام (۱۴۰۰). تاثیر شاخص فلاکت و کنترل فساد بر نابرابری درآمد؛ با رویکرد کوانتایل. فصلنامه علمی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۱۰(۴۰)، ۲۷۹-۲۴۱.
۲۳. مهرگان، نادر و دلیری، حسن (۱۳۹۲). کاربرد استاتاستیک در آمار و اقتصادسنجی. تهران: نشر نور علم، چاپ دوم.
۲۴. نجفی، زهرا؛ صامتی، مجید و جمالی، سمیه (۱۳۹۸). تحلیل تأثیر کارآفرینی بر نابرابری توزیع درآمد در میان استان‌های کشور. نشریه مدیریت نوآوری، ۸(۴)، ۸۴-۶۱.

References

1. Abounoori, E. (2003). Unemployment, inflation and income distribution: A cross-country analysis. *Journal of Iranian Economic Review*, 8(9), 1-11.
2. Acs, Z. J., & Amoroso, J.E. (2008). Entrepreneurship and competitiveness dynamics in Latin America. *Small Business Economics*, 31(3), 305-322.
3. Acs, Z. J., Braunerhjelm, P., Audretsch, D.B. & Carlsson, B. (2009). The knowledge spillover theory of entrepreneurship. *Small Business Economics*, 32(1), 15-30.
4. Akadiri, S. S. & Adebayo, T. S. (2022). Asymmetric nexus among financial globalization, non-renewable energy, renewable energy use, economic growth, and carbon emissions: Impact on environmental sustainability targets in India. *Environmental Science and Pollution Research*, 29(11), 16311-16323.
5. Ali, E. B., Shayanmehr, S., Radmehr, R., Amfo, B., A. Awuni, J., Gyamfi, A. B. & Agbozo, E. (2023). Exploring the impact of economic growth on environmental pollution in South American countries: How does renewable energy and globalization matter? *Environmental Science and Pollution Research*, 30(6), 15505-15522.
6. Amoroso, J.E. & Cristi, O. (2008). Longitudinal analysis of entrepreneurship and competitiveness dynamics in Latin America. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 4(4), 381-399.
7. Amoroso, J.E., Fernandez, C. & Tapia, J. (2012). Quantifying the relationship between entrepreneurship and competitiveness development stages in Latin America. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 8(3), 249-270.
8. Astebro, T. & Chen, J. (2014). The Entrepreneurial earnings Puzzle: Mismeasurement or real? *Journal of Business Venturing*, 29(1), 88-105.
9. Bahmani-Oskooee, M. & Gelan, A. (2008). Kuznets Inverted-U Hypothesis Revisited: A Time-Series Approach Using US Data. *Applied Economics Letters*, 15(9), 677-681.
10. Balcilar, M., Chang, S., Gupta, R. & Miller, S. M. (2018). The Relationship between the Inflation Rate and Inequality across US States: A Semiparametric Approach. *Quality & Quantity*, 52(5), 2413-2425. <https://doi.org/10.1007/s11135-017-0676-3>
11. Barghi Oskoei, M., Rasoli Oskoei, M. & Taher Oskoei, S. (2016). The effect of Globalization of the Economy on environmental. *Fourth Nation Conference on Management, Economic and Accounting*. 1-9. (In Persian).

12. Çelik, O. & Sayın, F. (2022). The technology, innovation, and income inequality nexus: an investigation on G7 countries. *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 1(1), 1-23. <https://doi.org/10.1080/13511610.2022.2092077>.
13. Cole, J. & Towe, C. (1996). Income Distribution and Macroeconomic performance in the United States. IMF Working Paper, 1996(097), DOI: <https://doi.org/10.5089/9781451851977.001>.
14. Draghi, M. (2016). Stability, Equity and Monetary Policy, Text of the 2nd DIW Europe Lecture. European Central Bank, German Institute for Economic Research (DIW). Berlin. 1-13.
15. Dreher, A. & Noel G. (2008). Has globalization increased inequality? *Review of International Economics*, 16(3), 516-36.
16. Ghosh, S. (2020). Impact of economic growth volatility on income inequality: ASEAN experience. *Quality & Quantity*, 54(1), 807-850. <https://doi.org/10.1007/s11135-019-00960-z>
17. Golkhandan, A. Gh. (2016). The Impact of Inflation Thresholds on Income Inequality in Iran: A Mild Transition Regression (STR) Model. *Iranian Economic Research*, 13(25), 75-95 (In Persian).
18. Gozgor, G., Mantu K. M., Demir, E. & Padhan, H. (2020). The impact of economic globalization on renewable energy in the OECD countries. *Journal Energy Policy*, 139(6), 65-90.
19. Halvarsson, D., Korpi, M. & Wennberg K. (2018). Entrepreneurship and Income inequality. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 145(1), 275-293.
20. Herrera-Echeverri, H., & Haar, J. & Estévez-Bretón, J. B. (2014). Foreign direct investment, institutional quality, economic freedom and entrepreneurship in emerging markets. *Journal of Business Research*, 67(9), 1921-1932.
21. Huang, Ch- Ju. & Haong Ho, Y. (2018). The Impact of Governance on Income Inequality in Ten Asian Countries. *Journal of Reviews on Global Economics*, 7(1), 217- 224.
22. Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues. Working Paper, 3(2), 1-32.
23. Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2009). Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators 1996-2008. World Bank Policy Research Working Paper, 4978, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1424591>
24. Kennedy K. Akrong. (2019). Pro-Poor Tourism: Critical Perspective and Implications for Future Research. *J. of Tourism and Hospitality Management*, 7(1), DOI: <https://doi.org/10.17265/2328-2169/2019.01.003>.
25. Khan, H., Shehzad, C. T., & Ahmad, F. (2021). Temporal Effects of Financial Globalization on Income Inequality. *International Review of Economics & Finance*, 74(2), 452-467. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.iref.2021.03.012>

26. Kumhof, M., Ranciere, R. & Winant, P. (2015). Inequality, Leverage and Crises. *American Economic Review*, 105(3), 1245-1217.
27. Law, C. H. & Soon, S. V. (2020). The impact of inflation on income inequality: the role of institutional quality. *Applied Economics Letter*, 27(21), 1735- 1738. <https://doi.org/10.1080/13504851.2020.1717425>
28. McMullen, J., Bagby, D. & Palich, L. (2008). Economic freedom and the motivation to engage in entrepreneurial action. *Entrepreneurship: Theory and Practice*. 32(5), 875-895.
29. Monnin, P. (2014). Inflation and income inequality in developed economies. Working Paper 1401, Council on Economic Policies, DOI:10.2139/ssrn.2444710
30. Polacko, M. (2021). Causes and Consequences of Income Inequality- An Overview. *DGruyter*, 12(2), 341-357. E
31. Ragoubi, H. & El Harbi, S. (2018). Entrepreneurship and income inequality: A spatial panel data analysis. *International Review of Applied Economics*. 32(3), 374-422.
32. Regoubi, H. & El-Harbi, Sana. (2019). Entrepreneurship and Income Inequality: A Dynamic Spatial Data Analysis, *Review of Applied Management Studies*. 17(1), 10-30.
33. Schultz, T.P. (1969). Secular trend and cyclical behavior of income distribution in the United States: 1944- 1965. In: *Six Papers on the Size Distribution of Wealth and Income*, 75-106, National Bureau of Economic Research.
34. Siami-Namini, S. & Hudson, D. (2019). Inflation and Income Inequality in Developed and Developing Countries. *Journal of Economic Studies*, 46(3), 611-632. <https://doi.org/10.1108/JES-02-2018-0045>.
35. Sun, Y. (2022). The effect of changes in labor demand and entrepreneurship on income inequality under innovations, 2nd International Conference on Enterprise Management and Economic Development, 31(1), 1239-1243. DOI:10.2991/aebmr.k.220603.201,
36. Tabash, M. I., Elsanitil, Y., Hamadi, A. & Drachal, K. (2024). Globalization and Income Inequality in Developing Economies: A Comprehensive Analysis. *Economies*, 12(23), 1-16.
37. Taghizadeh-Hesary, F, Yoshino, N. & Shimizu, S. (2018). The Impact of Monetary and Tax Policy on Income Inequality in Japan, ADBI Working Papers 837, Asian Development Bank Institute.
38. Tica, J., Globan, T., & Arčabić, V. (2022). Managing the impact of globalization and technology on inequality. *Economic Research Ekonomika Istraživanja*, 35(1), 1035-1060. <https://doi.org/10.1080/1331677X.2021.1952466>
39. Van Genuchten, K.J.P. (2022). New avenues in development economics: identifying the determinants of economic shrinking. *Journal Economic Growth*, 27 (1), 1-34.

40. Van Stel, A.J., Storey, D. & Thurik, R. (2007). The effect of business regulations on nascent and young business entrepreneurship. *Small Business Economics*. 28(2), 171-186. DOI 10.1007/s11187-006-9014-1.
41. Wang, J., Pie, Zh. k., Wang, Y. & Qin, Zh. (2024). An investigation of income inequality through autoregressive integrated moving average and regression analysis. *Healthcare Analytics*. 5(88), 1-10.
42. Wu, J., Wang, C., Hong, J., Piperopoulos, P. & Zhuo, S. (2016). Internationalization and innovation performance of emerging market enterprises: The role of host-country institutional development. *Journal of World Business*. 51(2), 251-263.
43. Xia, W., Nicholas A., Bashir, M. F., Ghosh, G., Doğan, B. & Shahzad, U. (2022). Investigating the role of globalization, and energy consumption for environmental externalities: Empirical evidence from developed and developing economies. *Renewable Energy*, 183(3), 219-228.

